

## تبیین تأثیر ژئوپلیتیک خطوط انتقال انرژی در دریای خزر بر منافع ملی ایران

طاهره خیرخواه‌صادق<sup>۱</sup>، علی بیژنی<sup>۲\*</sup>، محمد اخباری<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیا، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه جغرافیا، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳. دانشیار گروه جغرافیا، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

\* نویسنده مسئول، Email: Ahm.bijani3So@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۰۵ مهر ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۱ اسفند ۱۴۰۳

### چکیده

**مقدمه:** دریای خزر یکی از مهم‌ترین منابع انرژی نفت و گاز را در بین مناطق جهان دارد. در بین پنج کشور موجود در اطراف دریای خزر از جمله ایران خطوط مختلف انتقال انرژی کشیده است که از منظر ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک دارای اهمیت قابل توجهی است.

**هدف:** بر این مبنای هدف اصلی در این پژوهش بررسی تأثیرات خطوط انتقال انرژی در دریای خزر بر منافع ملی ایران است. سوال اصلی این است که ژئوپلیتیک خطوط انتقال انرژی در دریای خزر چه تأثیری بر منافع ملی ایران دارد؟ فرضیه پژوهش این است که به نظر می‌رسد مهم‌ترین تأثیر خطوط انتقال انرژی در دریای خزر بر منافع ایران، افزایش امنیت و قدرت ملی کشور به همراه تبدیل ایران به شاهراه انتقال انرژی شمال به بازارهای جهانی است.

**روش‌شناسی:** این پژوهش در قالب روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است.

**قلمرو جغرافیایی:** در این پژوهش، حوزه دریای خزر به عنوان قلمرو جغرافیایی مدنظر نگارندگان قرار گرفته است.

**یافته‌ها و بحث:** نتایج نشان می‌دهد که دریای خزر یکی از غنی‌ترین مناطق از نظر منابع انرژی در جهان است و خطوط هفت‌گانه انتقال انرژی از این منطقه در زمره اصلی‌ترین خطوط انتقال انرژی در جهان هستند. در این بین، ایران از برخی ویژگی‌های ژئوپلیتیکی در انتقال انرژی برخوردار است که می‌تواند آن را به هاب انرژی در منطقه و جهان تبدیل کند.

**نتیجه‌گیری:** از مهم‌ترین ویژگی‌های ژئوپلیتیکی ایران در انتقال انرژی، کاهش ریسک انتقال انرژی از بابت امنیت انرژی، دور بودن از تهدیدات و مخاطرات به واسطه عبور از یک کشور، دسترسی به بازارهای انرژی آسیایی، کاهش هزینه انتقال انرژی از مسیر ایران با روش معاوضه و ایجاد رقابت با روسیه به عنوان ابرقدرت انرژی نفت و گاز در بازارهای جهانی می‌تواند تامین‌کننده منافع ملی ایران باشد.

**کلیدواژه‌ها:** ژئوپلیتیک، خطوط انتقال انرژی، منافع ملی، دریای خزر، ایران.

## مقدمه

ایران به دلیل دارا بودن دومین منابع عظیم انرژی (نفت و گاز) و همچنین موقعیت ژئوپلیتیک مناسب؛ یعنی واقع شدن در میان دو کانون مهم انرژی دنیا (خلیج فارس و دریای خزر) در جایگاه ویژه ای از نظر تأمین انرژی و امنیت آن قرار گرفته است (مهدیان و فخری، ۱۳۹۱: ۴۵). در این میان حوزه خزر که در خشکی محصور شده، یکی از چالش های ژئوپلیتیک جمهوری های استقلال یافته این منطقه و شرکت های نفتی، انتقال نفت و گاز این منطقه به بازارهای جهانی است که به ناچار برای عرضه انرژی باید از خطوط انتقالی استفاده شود. از میان مسیرهای انتقال انرژی خزر، مسیر جنوبی ترانزیت انرژی حوزه خزر که از ایران می گذرد و از طرف ایران حمایت می شود، با توجه به سه عامل، امنیت، طول مسیر و هزینه سرمایه گذاری برای احداث خط لوله و خط ترانزیت، نسبت به مسیرهای دیگر یعنی مسیرهای شرقی، شمالی، جنوب شرقی و غربی جذاب تر و باصرفه تر است (اطاعت و نصرتی، ۱۳۸۸: ۱۲).

با این حال، در درگیری های مربوط به گزینش مسیرهای مناسب برای انتقال انرژی، مزیت های سیاسی بیش از مزیت های اقتصادی و فنی اهمیت پیدا کرده و ویژگی ها و امتیازها، تحت تاثیر انگیزه ها و اهداف سیاسی قدرتهای متعدد منطقه ای و بین المللی مورد کم توجهی واقع شده است؛ زیرا روند کنونی تحولات نظام بین الملل، بیانگر این است که کشورهایی نقش قدرت برتر جهانی را در سده بیست و یکم بازی خواهند کرد که بتوانند بر منابع و خطوط انتقال انرژی جهان (نفت و گاز) تسلط داشته باشند. در این میان، تقابل و منازعه قدرت های غربی با محوریت ایالات متحده با ج.ا. بر مسئله انتقال گزینش مسیر انتقال انرژی تاثیر نهاده، چنانکه این قدرت ها در راستای تضعیف منافع ملی و جایگاه منطقه ای ج.ا. در راستای تقویت سایر مسیرهای گام برمی دارند.

در موضوع مورد مطالعه، تحقیقات متعددی انجام شده است. کنشلو و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان تحلیل و بررسی جایگاه ژئوپلیتیک ایران در طرح های انتقال منابع انرژی از حوزه دریای خزر در راستای تاثیر آن بر توسعه ژئواکونومیک آسیای میانه و قفقاز که به روش توصیفی-تحلیلی و مطالعات کتابخانه ای صورت پذیرفته، دریافته اند ایران با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک ویژه می تواند نقش ترانزیتی و اتصال این کشورها را به آب های آزاد و اروپا داشته باشد. ولی زاده و صادقی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر و جایگاه ایران در ژئوپلیتیک انرژی قفقاز جنوبی که به روش توصیفی-تحلیلی و مطالعات کتابخانه ای صورت پذیرفته، دریافته اند ایران می تواند با سهم خواهی تامین بخشی از ظرفیت انتقالی خطوط لوله انرژی دریای خزر که باید از قفقاز جنوبی عبور کند، یک کارت بازی موثر در ژئوپلیتیک انرژی قفقاز جنوبی در اختیار داشته باشد. مولایی و ملکی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان سیاست انرژی محور غرب در معضل رژیم حقوقی دریای خزر که به روش توصیفی-تحلیلی و مطالعات کتابخانه ای صورت پذیرفته، دریافته اند به دلیل ناتوانی کشورهای ساحلی در رسیدن به توافق بر اساس حقوق بین الملل فعلی معاهدات پیشین، منازعات کنونی در مورد نحوه تقسیم دریای خزر منابع آن ادامه خواهد یافت. ادامه این روند، یعنی عدم توافق پایدار بر سر تعیین مرزهای دریایی خزر، می تواند کشورهای درگیر را تشویق نماید تا آماده ی دفاع از خودشان به صورت نظامی باشند. امیری (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان جمهوری اسلامی ایران و جایگاه ژئوپلیتیک-ژئواکونومیک و انرژی حوزه خزر که به روش توصیفی-تحلیلی و مطالعات کتابخانه ای صورت پذیرفته، دریافته اند ج.ا. پس از فروپاشی نظام دوقطبی به واسطه هم جواری با این منطقه مهم و قرار گرفتن در هارتلند انرژی جهان، بهترین کوتاه ترین به صرفه ترین و امن ترین مسیر برای انتقال انرژی این منطقه به بازارهای جهانی به شمار می رود. با توجه به ظرفیت های ژئوپلیتیک ایران و نیز موقعیت ژئواستراتژیک که به صورت ایجابی در تأمین امنیت ملی و افزایش وزن ژئوپلیتیک اش مؤثر است. ملکی و جعفری (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان منابع انرژی و حضور قدرت های فرامنطقه ای در دریای خزر که به روش توصیفی-تحلیلی و مطالعات کتابخانه ای صورت پذیرفته، دریافته اند برای آمریکا و متحدان استراتژیک آن علاوه بر منابع انرژی، انتقال مسیر حمل و نقل انرژی و رای قلمرو روسیه و ایران حائز اهمیت است. چین و روسیه گرچه در حوزه ی خزر هم شریک و هم رقیب هم محسوب می شوند اما منافع مشترک آنها موجب کاهش نفوذ آمریکا و متحدان استراتژیک آن شده است.

نگاهی به مطالعات صورت گرفته نشان می دهد علیرغم اینکه پژوهش های متعددی پیرامون ژئوپلیتیک خطوط انتقال انرژی در دریای خزر و تأثیر آن بر تحولات کشورهای منطقه به ویژه ج.ا.ا صورت گرفته لیکن تاکنون پژوهش مستقلی در رابطه با تأثیر این مولفه به شکل اخص بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران انجام نشده است. لذا پژوهش حاضر دارای جنبه های نوآوری بوده و از این منظر مطالعه ای بدیع و جدید است. در این راستا، با توجه به تأثیر خطوط انتقال انرژی دریای خزر بر منافع ملی ایران، نگارنده در این پژوهش با بهره گیری از روش توصیفی- تحلیلی در راستای پاسخ گویی به این سوال است که ژئوپلیتیک خطوط انتقال انرژی در دریای خزر چه تأثیری بر منافع ملی ایران دارد؟ بدین منظور ابتدا به طرح چارچوب نظری پژوهش پرداخته شده و در ادامه با تبیین ژئوپلیتیک خطوط انتقال انرژی در این منطقه، تأثیر آن بر منافع ملی ایران مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه مروری بر ادبیات و مبانی نظری پژوهش خواهیم داشت.

انرژی به عنوان یک متغیر ژئوپلیتیک، جایگاه ویژه ای را در روابط قدرت در نظام جهانی معاصر باز کرده و دسترسی به منابع انرژی برای تمامی سطوح سلسله مراتبی قدرت جهان، اهمیتی استراتژیک پیدا کرده است. از این رو، هر یک از بازیگران نظام جهانی به دنبال تعریفی معقول از جایگاه دیپلماسی انرژی خود در جهان می باشند (صادقی و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۳). مساله دسترسی به منابع انرژی اعم از فسیلی، اتمی، خورشیدی و انتقال آن از مکان های برخوردار یا بدون انرژی و نیازمند، کنترل منابع تولید و مسیرهای انتقال انرژی، فناوری ها و ابزارهای تولید، فرآوری، انتقال و حتی مصرف انرژی برای حفظ سیادت جهانی، منطقه ای و به چالش کشیدن رقبا در عرصه بین المللی همگی دارای ابعاد مکانی، فضایی یا جغرافیایی است و به همین اعتبار انرژی را به موضوع ژئوپلیتیکی تبدیل نموده است (حافظ نیا، ۱۳۹۶، ۱۰۳-۱۰۲). امنیت انرژی موضوع اقتصادی - سیاسی است، به همین مناسبت از یک طرف، بخش های مهمی از اقتصاد از حصول در دسترس بودن، کمبود منابع، عملکرد بازارها و شکل گیری قیمت ها، تجارت انرژی و توسعه اقتصادی کشورها سخن به میان می آورند و از سوی دیگر، امنیت انرژی را محیط ژئوپلیتیکی و روابط بین المللی تعیین می کند (رستمی فر و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۵۴). تأثیرگذاری مصرف انرژی در اهداف و سیاست های کشورهای باعث ایجاد پیامدهای ژئوپلیتیکی در مقیاسی داخلی، منطقه ای و جهانی می گردد. گذار انرژی در جهان ضمن تغییرات جدی در روابط قدرت در سطح منطقه ای و جهانی سبب شکل گیری اتحادیه ها و ائتلاف های جدیدی گردیده و تغییرات جدی در نظم منطقه ای و جهانی را در پی خواهد داشت (عباسیان فرد و همکاران، ۱۴۰۲: ۱). در مفاهیم ژئوپلیتیک، قدرت را جوهر ژئوپلیتیک میدانند. می توان گفت انرژی نقش آفرینی به سزایی در افزایش یا کاهش قدرت کشورها دارد. بنابراین صفت انرژی برای ژئوپلیتیک قدرت آفرین است (جوفار، ۱۴۰۲: ۱). انرژی به عنوان یک متغیر ژئوپلیتیک جایگاه ویژه ای را در بازی های قدرت های نظام جهانی باز می کند و دسترسی به منابع انرژی برای تمام سطوح سلسله مراتب قدرت جهانی، اهمیت دارد (مسعودی پور و همکاران، ۱۳۹۸، ۴۹۲). از سوی دیگر، به لحاظ ارتباط تنگاتنگ انرژی با زندگی روزمره مردم و جوامع و نیز حیات کشورها و دولت ها است که دولت های متقاضی و دولت های تولیدکننده را دائما نگران کرده است و از همین روست که انرژی در سیاست ملی و بین المللی نقش تعیین کننده ای پیدا نموده است و الگوهایی از رقابت، همکاری، کشمکش، تجاوز، تعامل، همگرایی و واگرایی را در عرصه بین المللی و روابط بین کشورها و دولت ها شکل داده است (ویسی، ۱۳۹۱: ۷۹). با توجه به اینکه ژئوپلیتیک انتقال انرژی نقش بسزایی در این عرصه دارد، بازیگرانی نظیر ایران که در هارتلند انرژی قرار گرفته اند، قادرند نقش آفرینی قابل توجهی در این عرصه داشته باشند. که می تواند امنیت ملی را با چالش مواجه سازند (عسگری، ۱۳۹۸: ۸۴).

## روش شناسی

روش تحقیق در این مقاله از نوع مطالعات توصیفی- تحلیلی می باشد و به روش کتابخانه ای انجام می پذیرد. اطلاعات اسنادی و کتابخانه ای از طریق مراجعه به کتب و مجلات معتبر و مقالات و پژوهش های انجام شده در این حوزه گردآوری شده است. مطالعات کتابخانه ای، به عنوان محور اصلی و اساسی در زمینه دسترسی به اطلاعات و منابع

مورد نظر قرار گرفته است. در این پژوهش، با استفاده از روش استدلال قیاسی - استقرایی داده‌ها و اطلاعات به دست آمده در یافته‌های تحقیق، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

## قلمرو جغرافیایی پژوهش

حوزه خزر به عنوان یکی از اساسی‌ترین مناطق ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی جهان در نظر گرفته می‌شود. این دریا که در شمال غربی آسیا واقع شده توسط پنج کشور حاشیه شامل آذربایجان (دارای حکومت متمرکز نیمه‌ریاستی جمهوری)، ایران (دارای نظام جمهوری اسلامی)، قزاقستان (دارای نظام سیاسی نیمه ریاستی)، روسیه (دارای جمهوری نیمه ریاستی فدرال) و ترکمنستان (دارای نظام سیاسی جمهوری ریاستی و متمرکز) احاطه شده است (Koutsouradi et al, 2018: 180). از مهمترین چالش‌های حوزه خزر می‌توان به مسائل زیست‌محیطی و ژئواکونومیک، منابع و راه‌های انتقال انرژی، مسئله نظامی شدن خزر، ابهام و عدم تعیین رژیم حقوقی مناسب و نیز نگرانی ناشی از نقوذ قدرت‌های فرامنطقه‌ای در این حوزه اشاره کرد (فرجی‌راد و حقیقت‌پناه، ۱۳۹۲: ۶۰-۶۲).



شکل ۱. نقشه کشورهای حوزه دریای خزر  
منبع: (https://www.researchgate.net)

## یافته‌ها و بحث

### نگاهی به ژئوپلیتیک انرژی دریای خزر

طبق آمار آژانس انرژی اروپا با استفاده از داده‌های میدانی میزان ذخایر انرژی در دریای خزر در حدود ۴۸ میلیارد بشکه نفت و ۲۹۲ تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی را در میادین خشکی و فراساحلی اثبات کرده است. تقریباً ۷۵ درصد از ذخایر نفت و ۶۷ درصد از ذخایر گاز طبیعی در ۱۰۰ مایلی ساحل واقع شده است. اختلافات ارضی و اکتشاف محدود در مناطق فراساحلی، تعیین مقدار کل منابع هیدروکربنی را دشوار می‌کند. بیشتر این ذخایر در دریا یا نزدیک سواحل دریای خزر، به ویژه نزدیک سواحل شمالی هستند. طبق تخمین آژانس انرژی اروپا، ۴۱ درصد از کل نفت خام خزر و میعانات آن شامل حدود ۱۹٫۶ میلیارد بشکه و ۳۶ درصد گاز طبیعی شامل حدود ۱۰۶ تریلیون فوت مکعب در میادین فراساحلی وجود دارد. بیشتر ذخایر نفت دریایی در بخش شمالی و بیشتر میزان ذخایر گاز طبیعی فراساحلی در بخش جنوبی واقع است. طبق تخمین EIA ۳۵ درصد اضافی نفت (۱۶٫۶ میلیارد بشکه) و ۴۵ درصد گاز (۱۳۰ تریلیون

فوت مکعب) در ۱۰۰ مایلی ساحل به ویژه در قفقاز شمالی روسیه در خشکی وجود دارد. ۱۲ میلیارد بشکه نفت باقیمانده و ۵۶ تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی بیشتر در حوضه‌های بزرگ دریای خزر، بیشتر در آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان پراکنده شده‌اند. با این حال در نتیجه فقدان ترسیم مشخص خطوط مرزی دریایی، چندین کشور در مورد مالکیت برخی منابع دریایی اختلاف دارند. برای مثال آذربایجان و ترکمنستان هر دو ادعای میدان سردار (ترکمنستان) و کیپاز (آذربایجان) را دارند که در ابتدا در سال ۱۹۵۹ توسط زمین‌شناسان آذربایجانی کشف شد (EIA, 2021).

منابع غنی انرژی دریای خزر باعث شده است که تمام کشورهای حاشیه این دریاچه از قبیل ایران، آذربایجان، ترکمنستان، قزاقستان و روسیه به آن به دیده اهمیت نگاه کنند. جمهوری آذربایجان با ذخایر نفتی حدود ۱۵ میلیارد بشکه، در رده چهاردهم کشورهای دارای بزرگ‌ترین ذخایر انرژی در جهان است. میداین نفتی آذربایجان عمدتاً در خط ساحلی دریای خزر قرار دارد. شرکت‌های رویال داچ شل، برادران نوبل، آراواک انرژی، بریتیش پترولیوم و اکسون موبیل از مهم‌ترین سرمایه‌گذاران نفتی این کشور هستند. خطوط لوله قفقاز جنوبی و باکو-تفلیس-جیهان مهم‌ترین خطوط انتقال انرژی این کشور هستند (اعظمی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱).

در سال ۲۰۲۰، تولید نفت و سایر مایعات آذربایجان ۷۱۶ هزار بشکه در روز برآورد شد که به طور متوسط حدود ۹۲ هزار بشکه آن صرف مصرف داخلی شده است. آذربایجان در سال ۲۰۱۷ قرارداد اشتراک تولید برای میداین اصلی فراساحلی چراغ - گونشلی را تا سال ۲۰۴۹ تمدید کرد. در سال ۲۰۲۰ بیش از ۶۷ درصد از کل تولید نفت آذربایجان در حدود ۴۷۷ هزار بشکه در روز از میداین فوق حاصل شد. باکو همچنین توسعه خطوط لوله برای انتقال نفت و گاز به پایانه سنگچال با سرمایه‌گذاری ۶ میلیارد دلاری را در دستور کار دارد که قرار است در سال ۲۰۲۳ برای فرآوری ۱۰۰ هزار بشکه در روز آماده شود (EIA, 2021).

ایران طبق آمار سال ۲۰۲۱ حدود ۲۴ درصد از ذخیره نفت خاورمیانه و ۱۲ درصد از ذخایر نفت جهان را در اختیار داشته است که آن را در رده سوم بزرگترین دارنده نفت و دومین کشور دارای ذخایر گاز طبیعی در جهان قرار داد (EIA, 2022; Madani, 2016). میانگین تولید نفت خام ایران در سه ماهه سوم سال ۲۰۲۲ حدود ۲ میلیون و ۵۶۶ هزار بشکه در روز اعلام شد. درآمدهای نفتی ۳۰ درصد درآمد دولت و بیش از ۲۰ درصد ارزش تولید ناخالص واقعی آن را شامل می‌شود (Trading Economics, 2023).

قزاقستان نیز یکی از تولیدکنندگان اصلی نفت و گاز در بازار جهانی است. میزان ذخایر اثبات شده نفت قزاقستان تا پایان سال ۲۰۲۱ معادل ۹/۳۰ میلیارد بشکه و میزان صادرات نفت خام این کشور به استثنای میعانات تا سال ۲۰۲۷ به روزانه ۴۲/۱ الی ۵۵/۱ میلیون بشکه افزایش خواهد یافت (جعفری و ظفریان، ۱۴۰۱: ۶). قزاقستان دارای ۲۷۱ میدان نفتی و ۶۱ میدان میعانات گازی است. حدود ۷۰ درصد از ذخایر اثبات شده و احتمالی نفت و میعانات گازی این کشور در پنج میدان بزرگ تنگیز، کاشاگان، کورولفسکویه، کاراچاگانک و ژانازول است (EIA, 2020). میدان کاشاگان که در سال ۲۰۰۰ کشف شد با بیش از ۱۳ میلیارد بشکه نفت و ذخایر قابل توجه گاز طبیعی بزرگترین میدان نفتی خارج از خاورمیانه است که توسط کنسرسیوم «شرکت عملیاتی خزر شمالی آگیپ قزاقستان» اداره می‌شود. قزاقستان بزرگترین تاسیسات نفتی را در حوزه خزر دارا است و شرکت‌های نفتی رویال داچ شل، اکسون موبیل، توتال و کازمونیاز گاز در صنعت نفت این کشور فعالیت دارند.

ترکمنستان دیگر کشور حوزه خزر است که وابستگی بالایی به انرژی این منطقه دارد. این کشور در دهه ۱۹۸۰ سرمایه‌گذاری قابل توجهی برای اکتشاف میدان گازی دریافت کرد و آن را به دومین تامین‌کننده بزرگ گاز شوروی

سابق تبدیل کرد. بزرگترین میادین گازی این کشور میادین گالکینیش، دولت آباد و ملای هستند. بیشتر ذخایر نفت ترکمنستان در فراساحل یا در منطقه گاراشیزلیک در غرب این کشور قرار دارد (EIA, 2013). میزان میعانات نفتی ترکمنستان تقریباً ۷۱,۶۴ میلیارد تن است که ۵۳ میلیارد تن آن در میادین خشکی و ۱۸,۲۱ میلیارد تن در دریای خزر قرار دارد. ترکمنستان تقریباً ۶۰ درصد از تولید نفت خود را در داخل مصرف می‌کند و مابقی آن را از طریق دریای خزر به بازارهای جهانی صادر می‌کند. مجتمع پالایشگاه‌های نفت ترکمن باشی و کارخانه گاز به بنزین در استان آخال گاز مایع تولید می‌کنند (International Trade Administration, 2022).

در نهایت روسیه نیز به عنوان یکی از قوی‌ترین بازیگران در تولید هیدروکربن جهانی دارای منابع نفتی در منطقه خزر است. روسیه با استفاده از شبکه متراکم خطوط لوله که قدمت آن به دوران اتحاد جماهیر شوروی بازمی‌گردد، و با استفاده از سیستم‌های پیشرفته مانند نورداستریم و بلواستریم حجم زیادی نفت و گاز به اروپا و آسیا می‌رساند. به طور کلی دریای خزر را نمی‌توان با میادین بزرگ شمال روسیه در سیبری مقایسه کرد، اما توسعه مداوم میادین نشانه آن است که روسیه برنامه‌های بلندمدتی برای پروژه‌های نفتی در خزر دارد. تولید کلی نفت روسیه در میادین خزر در سال ۲۰۲۰ در حدود ۵۱۳ میلیون تن نفت بود. شرکت لوک اویل، بزرگترین شرکت خصوصی نفت روسی فعال در این منطقه است که فعالیت آن شامل سه حوزه یوری کورچاگین، ولادیمیر فیلانوفسکی و والرئو گریفر است. شرکت گازپروم نیز در توسعه دو میدان نفتی Tsentralnoye و Imashevskoye در این منطقه فعال است (Benda, 2021).

### ژئوپلیتیک خطوط انتقال انرژی دریای خزر

قبل از فروپاشی شوروی، دریای خزر به عنوان دریای ایران - شوروی شناخته می‌شد؛ اما عملاً در سلطه شوروی قرار داشت و استخراج نفت و تقسیم آن میان جمهوری‌های شوروی صورت می‌گرفت. بعد از استقلال قزاقستان، ترکمنستان و آذربایجان، وضعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک منطقه نیز تغییر یافت و منابع انرژی موجود آن توجه قدرت‌های منطقه و فرامنطقه را به خود جلب کرد. با افزایش وابستگی اقتصادی جهان به منابع انرژی هیدروکربنی، ادامه تنش‌ها در خاورمیانه و ظهور روسیه به عنوان بازیگر اصلی در بازار انرژی جهانی، نفت و گاز خزر و مسیرهای انتقال انرژی آن به بازارهای مصرف نیز مورد توجه شرکت‌های نفتی قرار گرفت. با این حال از آنجا که این منطقه محصور در در خشکی است، بزرگ‌ترین مشکل ژئوپلیتیکی این جمهوری‌ها و شرکت‌های نفتی، انتقال نفت و گاز این منطقه به بازارهای جهانی است که به ناچار برای عرضه انرژی باید از خطوط انتقالی استفاده شود (نوازی و شجاعی، ۱۳۹۳، ۷). بر این اساس، در دریای خزر به عنوان پهنه آبی وسیع که میزان بالایی از انرژی (نفت و گاز) را در خود دارد، چندین خط لوله انتقال انرژی به بازارهای جهانی در نظر گرفته شده است.

### مسیرهای ایران

مسیر ایران همان مسیر جنوبی ژئوپلیتیک انرژی دریای خزر است. از این مسیر، نفت و گاز دریای خزر، آسیای میانه و قفقاز از طریق ایران به خلیج فارس، دریای عمان و از آنجا به بازارهای جهانی می‌رسد. این مسیر به دلیل امنیت طول مسیر، کوتاهی مسافت، هزینه‌های کمتر ترانزیت، ۱۸۰۰ کیلومتر خط ساحلی ایران با خلیج فارس و دریای عمان در جنوب، وجود زیربنای لازم برای انتقال انرژی مانند وجود بنادر و اسکله‌های عظیم در جنوب کشور و سابقه حدود یک قرن ایران در صنایع انرژی، به صرفه‌ترین راه انتقال انرژی حوزه خزر به بازارهای جهانی است (محرابی و همکاران، ۱۳۹۲، ۳۹). ایران از طرح‌های مختلف انتقال نفت در دریای خزر برخوردار است که مهم‌ترین آنها خط لوله ۳۰ و ۳۲ اینچی نکا - ری به میزان ۵۰۰ و ۴۲۵ هزار بشکه در روز است. علاوه بر این، پروژه‌های دیگری همچون احداث خط لوله نکا - ورسک، احداث خط لوله ورسک - ری، احداث تاسیسات مسیر نکا - ری، احداث خط لوله انتقال نیرو و پست‌های برق، تاسیسات اسکله و امتزاج نکا و ری، تاسیسات جدید پالایشگاه تهران، تاسیسات جدید پالایشگاه تبریز و احداث حوضچه نکا نیز از سوی ایران در این منطقه انجام شده است. ظرفیت خط لوله انتقال نکا - ری برابر ۳۷۰ هزار

بشکه در روز است که با اجرای طرح مخازن تعادلی ساری - مغانک به ۵۰۰ هزار بشکه در روز افزایش یافت. براساس اعلام شرکت ملی پالایش و پخش فراورده‌های نفتی ایران در تیرماه ۱۴۰۱، آخرین ظرفیت پالایشی قابل دریافت ایران از کشورهای حوزه دریای خزر در پالایشگاه جنوبی تهران ۱۲۰ هزار بشکه در روز، در پالایشگاه شمالی تهران ۱۱۰ هزار بشکه در روز و در پالایشگاه تبریز ۱۱۰ هزار بشکه در روز است (جعفری و ظفریان، ۱۴۰۱، ۱۵).

### خط لوله باکو - نووروسیسک

این خط لوله به طول ۸۳۰ مایل و ظرفیت ۱۰۰ هزار بشکه در روز را دارد و از پایانه سنگاچال به نووروسیسک روسیه در دریای سیاه کشیده شده است. این خط لوله در سال ۲۰۱۰ تقریباً ۴۵۵۰۰ بشکه نفت در روز حمل و نقل کرد. شرکت ملی نفت جمهوری آذربایجان (بخش آذری و شرکت دولتی خدمات نفتی روسیه) بخش روسی این خط لوله را اداره می‌کنند که مدت زیادی درگیر اختلاف به ویژه در مورد تعرفه‌های حمل و نقل بوده‌اند که عملیات حمل و نقل این خط لوله را پیچیده کرده است. در سال‌های اخیر این دو شرکت سعی داشته‌اند تا ظرفیت این خط لوله را بین ۱۸۰ هزار تا ۳۰۰ هزار بشکه در روز افزایش دهند که به عنوان عاملی کلیدی در حمل و نقل با افزایش تولید در میدان نفتی چراغ - گونشلی آذربایجان و افزایش توان قزاقستان در آینده محسوب می‌شود (IEA, 2021).

### خط لوله باکو - تفلیس - جیحان<sup>۲</sup>

این خط لوله در سال ۲۰۰۶ افتتاح شد. ظرفیت این خط لوله از مارس ۲۰۰۶ تا مارس ۲۰۰۹ یک میلیون بشکه در روز و از مارس ۲۰۰۹ به ۱٫۲ میلیون بشکه در روز افزایش یافت. طول این خط لوله ۱۷۶۸ کیلومتر است که ۴۴۳ کیلومتر آن در آذربایجان، ۲۴۹ کیلومتر در گرجستان و ۱۰۷۶ کیلومتر در ترکیه قرار دارد. این خط لوله از ۱۳ منطقه در آذربایجان شامل قره داغ، آبشرون، حاجیگابول، آغسو، کردامیر، اوجار، آغداش، یولاک، گورانبوی، ساموخ، شمکر، تووز، آگستافا، علاوه بر ۷ منطقه در گرجستان و ۹ منطقه در ترکیه عبور می‌کند. بخش آذربایجان و گرجستان این خط لوله توسط شرکت نفت بریتیش پترولیوم به نمایندگی از سهامدارانش اداره می‌شود و بخش ترکیه توسط بوتاش اینترنشنال اداره می‌شود.

این خط لوله، نفت را از میدان آذری - چراغ - گونشلی<sup>۱</sup> و میعانات گازی شاه دنیز را در سراسر آذربایجان، گرجستان و ترکیه حمل و ترمینال سنگاچال در سواحل دریای خزر را به ترمینال دریایی جیهان در سواحل مدیترانه ترکیه متصل می‌کند. نفت خام ترکمنستان نیز از طریق این خط لوله حمل می‌شود. از اکتبر ۲۰۱۳ برخی از

- 
- 1SOCAR
  - 2Transneft
  - 3BTC
  - 4Qara Dagh
  - 5Absheron
  - 6Hajigabol
  - 7Agsu
  - 8Kordamir
  - 9Ujar
  - 0Aghdash
  - 1Yolak
  - 2Zoranboy
  - 3Samukh
  - 4Shamkar
  - 5Bovez
  - 6Augustafa
  - 7BP
  - 8BOTAS International Limited
  - 9ACG

محموله‌های نفت خام تنگیز قزاقستان نیز از این طریق خط لوله حمل می‌شوند. از زمان عملیاتی شدن این خط لوله تا ۱۸ ژانویه ۲۰۲۳ حدود ۴ میلیارد بشکه نفت خام به بازارهای جهانی ارسال شده است (British Petroleum, 2023).

### خط لوله صادرات نفت قزاقستان

این خط لوله با عنوان اوزن<sup>۱</sup>-آتیراؤ-سامارا<sup>۲</sup> یک اتصال شمالی به سیستم توزیع ترانس نفت روسیه است که ارتباط قزاقستان را با بازارهای جهانی از طریق دریای سیاه فراهم می‌کند. این خط در سال ۲۰۰۹ با اضافه شدن ایستگاه‌های پمپاژ و گرمایش ارتقا یافت و ظرفیت آن به صورت تقریبی ۶۰۰ هزار بشکه در روز است. قزاقستان قبل از تکمیل خط لوله کنسرسیوم خزر، تقریباً تمام نفت خود را از این طریق صادر می‌کرد (EIA, 2021). این خط لوله دومین خط لوله صادرات نفت قزاقستان به بازار جهانی است. در ۹ ماهه ابتدایی سال ۲۰۲۱ حدود ۹,۳ میلیون تن نفت از طریق این خط لوله نفتی منتقل شد. قزاقستان همچنین سیستم حمل و نقل خزر قزاقستان - کاسپین<sup>۳</sup> را با همکاری آذربایجان در دستور کار دارد. طبق این سیستم، قرار است با احداث خط لوله‌ای به طول ۷۳۹ کیلومتر، نفت تولید شده در کاشاگان و تنگیز از طریق کریدور انرژی شرق به غرب در مسیر اسکن - کوریک - BTC به بازارهای انرژی صادر شوند. نفت از طریق خط لوله اسکن-کوریک در سواحل خزر قزاقستان به پایانه نفتی آذربایجان می‌رود و از آنجا به بعد از طریق خط لوله BTC منتقل می‌شود. دولت قزاقستان میزان انتقال روزانه این خط لوله را ۳۰۰ هزار بشکه در روز ذکر کرده است که به تدریج به ۸۰۰ هزار بشکه در روز افزایش یابد (Cutler, 2016).

### خط لوله قزاقستان - چین

این خط لوله به طول ۲۷۹۸ کیلومتر در سال ۲۰۰۶ برای انتقال نفت خام از میدین نفتی غرب قزاقستان به پالایشگاه دوشانزی در استان سین کیانگ چین راه‌اندازی شد. این خط لوله با قطر ۸۱۳ میلی‌متر ظرفیت ۱۰ میلیون تن در سال را دارد. هدف اصلی راه‌اندازی این خط لوله، پاسخ‌گویی به نیازهای رو به رشد انرژی چین است. پیوند مستقیم منابع عظیم نفتی قزاقستان در دریای خزر با بازار مصرف رو به افزایش چین، موقعیت برد - برد را برای دو کشور فرا کرده است. طی سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۰۶ بیش از ۳۰ میلیون تن نفت خام از این خط لوله منتقل شد. خط لوله گاز ترکمنستان - چین نیز که بیشتر صادرات گاز طبیعی منطقه خزر را به شرق آسیا منتقل می‌کند، در ادامه به این خط متصل می‌شود. گاز شرق ترکمنستان از میدین گالکینیش و باگتی‌یارلیک وارد ازبکستان شده و به سمت جنوب قزاقستان می‌رود. این خط لوله از مرز قزاقستان و چین گذشته و به خط لوله گاز غرب به شرق متصل می‌شود (Caiyu and Xiaojing, 2023).

### خط لوله گازی آسیای مرکزی - مرکز<sup>۵</sup>

این خط لوله گاز طبیعی که بین سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۸۸ ساخته شد، یک پروژه خط لوله خشکی به طول ۴۸۹۲ کیلومتر است که توسط شرکت گازپروم روسیه اداره می‌شود. گاز طبیعی دریای خزر را به روسیه منتقل می‌کند و از آنجا به شبکه بزرگ خط لوله گاز شوروی متصل می‌شود (Olcott, 2013). دو شعبه این خط لوله گازی که توسط گازپروم کنترل می‌شود، قبل از ورود به سیستم خط لوله روسیه در شهر بینو در جنوب غرب قزاقستان به هم می‌رسند. شاخه شرقی این خط لوله که ظرفیت خروجی آن ۲,۲ تریلیون فوت مکعب است، از میدین گازی جنوب شرقی ترکمنستان سرچشمه می‌گیرد. شاخه غربی نیز از سواحل ترکمنستان در دریای خزر سرچشمه می‌گیرد. تقریباً تمام

<sup>1</sup> Uzen

<sup>2</sup> Atyrau

<sup>3</sup> Samara

<sup>4</sup> KCTS

<sup>5</sup> Central Asia-Center gas pipeline system (CAC)

گاز ترکمنستان و ازبکستان از طریق شعبه شرقی تحویل می‌شود (EIA, 2013). در سال ۲۰۲۳ هدف‌گذاری انتقال گاز از این خط لوله حدود ۲۰ تا ۲۵ میلیارد متر مکعب در سال از طریق آن ممکن است حدود یک سال دیگر طول بکشد (Mirzamakhmudov, 2023).

### خط لوله گازی قفقاز جنوبی<sup>۱</sup>

این خط لوله گازی به طول ۶۹۲ کیلومتر (۴۴۳ کیلومتر در آذربایجان و ۲۴۹ کیلومتر در گرجستان) و قطر ۴۲ اینچ در سال ۲۰۰۷ به موازات خط لوله انتقال نفت باکو - تفلیس - جیحان افتتاح شد. این خط لوله برای انتقال گاز طبیعی از میدان شاه دنیز به مرز گرجستان و ترکیه ساخته شده است. اولین محموله گازی از این خط به مرز ترکیه در سال ۲۰۰۶ تحویل شد. ظرفیت حمل و نقل سالانه آن ۷,۴۱ میلیارد متر مکعب است. از سال ۲۰۱۱ طرح توسعه این خط لوله با ساخت یک خط لوله جدید ۴۸ اینچی در قلمرو آذربایجان و گرجستان و همچنین ساخت دو ایستگاه کمپرسور جدید در گرجستان دنبال شد و در ۳۰ ژوئن ۲۰۱۸ شروع به کار کرد. در نتیجه توسعه، ظرفیت توان عملیاتی این خط گازی، با افزایش حدود سه برابری به حدود ۲۴,۰۴ میلیارد متر مکعب رسید (Southern Gas Corridor, 2020).

### تأثیر ژئوپلیتیک خطوط انتقال انرژی دریای خزر بر منافع ایران

ایران از دهه ۱۹۹۰ میلادی پس از فروپاشی شوروی، استقلال کشورهای حوزه خزر را به رسمیت شناخت و به دلیل همجواری جغرافیایی و پیوندهای فرهنگی - تاریخی با کشورهای این منطقه از یک سو و برخورداری از سابقه حکومت مداری، تجربه غنی بهره‌برداری از منابع انرژی و دارا بودن راه‌های مواصلاتی و خطوط ریلی، از امتیاز خاص و موقعیت برتر در مقایسه با دیگر رقبا برای همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه با این کشورها تاکید نمود. ایران کشوری با ذخایر عظیم نفتی و گازی در دنیا است و از صادرکنندگان نفت و گاز محسوب می‌شود. بنابراین ایران در کنار حفظ تمامیت ارضی، تقویت اعتبار بین‌المللی و بهره‌برداری از فرصت‌های اقتصادی، سعی کرده است تا عرصه منابع انرژی در این منطقه نیز نقش ایفا کند (چابکی، ۱۳۹۰، ۶۳-۶۴).

یکی از مهم‌ترین تأثیرات این موضوع بر امنیت ملی ایران در ابعاد داخلی و خارجی است. چرا که در بین عناصر تعیین‌کننده در نهایت این ژئوپلیتیک است که سرنوشت ایران را در جهان پرتلاطم رقم زده است همچنین یکی از مهم‌ترین متغیرهای ژئوپلیتیک موثر بر سرنوشت کشور، متغیر ژئوپلیتیک انرژی است و یکی از راه‌هایی که ایران می‌تواند ظریب امنیت ملی خود را افزایش دهد، توجه به امنیت انرژی است. میزان ذخایر نفت و گاز ایران که در بالا برشمرده شد، نشانگر اهمیت بی‌بدیل این کشور در بازار انرژی است. در عین حال بعد دیگر موضوع، واقع شدن ایران در کانون بیضی راهبردی انرژی جهان است که بر امنیت انرژی تأثیرگذار است (محرابی و همکاران، ۱۳۹۲، ۴۲-۴۱). جفری کمپ از ژئوپلیتیسین‌های آمریکایی، دو منطقه خزر و خلیج فارس را تامین‌کننده انرژی در سده اخیر دانسته و بر اساس آن بیضی استراتژیک انرژی را تعریف کرده است. طبق این تعریف، بیش از ۷۰ درصد ذخایر شناخته شده نفت و ۴۰ درصد از ذخایر گاز جهان در خلیج فارس و حوزه دریای خزر قرار دارد. ایران مانند پلی دو منطقه پراهمیت جهان یعنی خزر و خلیج فارس را به هم وصل کرده است. در حوزه انرژی ایران در سطح دو و چندجانبه می‌تواند همکاری‌های مطلوبی با کشورهای پیرامون دریای خزر در آسیای مرکزی و قفقاز داشته باشد (قالیباف و پوپنده، ۱۳۸۶، ۵۲).

یکی دیگر از مهم‌ترین مزایای ایران در خطوط لوله انتقال انرژی دریای خزر، کاهش ریسک یا خطر ژئوپلیتیکی در عرضه انرژی است. این امر زمانی صورت می‌گیرد که تنش‌های بین‌المللی، درگیری محلی و منطقه‌ای دورنمای بین‌المللی انرژی را تیره سازد. بخشی از این چالش‌ها پدیده تروریسم و تهدید زیرساخت‌های عرضه انرژی است.

۱. SCP

اختلالات امنیت انرژی همواره موضوع اصلی مباحث ژئوپلیتیکی بوده‌اند. در طول تاریخ تلاش برای تضمین دستیابی به منابع انرژی و امنیت کافی مسیرهای انتقال، نیازمند تدابیر نظامی، دیپلماتیک، تجاری و فنی بوده است (یاری، ۱۳۹۴، ۲۶۲). مصداق این موضوع، همکاری ایران در سوآپ انرژی کشورهای حاشیه خزر به خلیج فارس و دریای عمان است. از دیدگاه اقتصادی هزینه انتقال انرژی از مسیر ایران آن با روش سوآپ به مراتب ارزان‌تر از دیگر مسیرهاست. صدور گاز ترکمنستان از طریق ایران به ترکیه به عنوان بهترین راه به اروپا شناخته شده است. طول خط لوله تا ترکیه ۱۴۷۰ کیلومتر که شامل ۱۴۰ کیلومتر در خاک ترکمنستان و ۱۳۳۰ کیلومتر در خاک ایران است. این خط امکان صادرات اولیه ۱۰ تا ۱۲ میلیارد متر مکعب را خواهد داشت که در فاز نهایی به ۲۸ میلیارد مترمکعب خواهد رسید. از نظر هزینه نیز این خط لوله حداقل ۷۰۰ میلیون دلار ارزان‌تر از خط لوله دریای خزر است. به دلیل صرفه اقتصادی، شرکت‌های مختلف انگلیسی و آمریکایی در طول دو دهه اخیر سعی در همکاری با ایران داشته‌اند. برای مثال شرکت اکسون موبیل در صدد بوده است تا سهم نفت خود را که در ترکمنستان سرمایه‌گذاری کرده، از طریق معاوضه با ایران به بازارهای جهانی صادر نماید. در این راستا، ایران می‌تواند روزانه ۱٫۵ میلیون بشکه نفت را به کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز منتقل کند و از طرفی کشورهای حوزه خزر هم نیاز به آن نخواهند داشت که نفت و گاز خود را تا پایانه‌های نفتی خلیج فارس برسانند (آجیلی و بهادرخانی، ۱۳۹۳، ۱۴۹).

ایران در واقع پل رسیدن تمام کشورهای منطقه خزر به آب‌های گرم خلیج فارس است. اولین تاثیر این مزیت آن است که هم ایران می‌تواند از طریق سایر کشورهای منطقه خزر به روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز دسترسی داشته باشد و هم این کشورها می‌توانند از طریق ایران به خلیج فارس دسترسی داشته باشند. احداث بزرگ‌ترین خط ریلی که تمام کشورهای دریای خزر که از طریق آن می‌توانند به خلیج فارس دسترسی داشته باشند و نیز طرح‌های بزرگراهی که کشورهای آسیای مرکزی را به دریای عمان متصل می‌کند، حاکی از اهمیت ژئواکونومیک ایران در منطقه خزر دارد این اهمیت زمانی بیشتر می‌شود که طرح‌هایی مانند فروش نفت ایران از روسیه به اروپا نیز مطرح می‌شود که هم هدف آمریکا از مهار روسیه در خزر را به چالش می‌کشد و هم می‌تواند در تحریم‌های آمریکا علیه ایران شکاف ایجاد کند (حلال‌خور و سعیدی راد، ۱۴۰۰، ۱۷۶).

از مزیت‌های مسیر ایران این است که تنها از خاک یک کشور می‌گذرد تا به آب‌های آزاد برسد و از مخاطراتی که دیگر مسیرها را تهدید می‌کند دور است؛ همچنین با نگاهی به نقشه اقتصادی جهان مشخص است که بازارهای آسیایی به دلیل جمعیت زیاد، افزایش مصرف، در حال توسعه بودن آنها و با در نظر داشتن افزایش چشم‌گیر تقاضای جهانی انرژی در آینده، اهمیت قابل توجهی خواهد داشت. در این بین، آهنگ رشد اقتصادی در آسیا سریع‌تر از دیگر نقاط خواهد بود؛ بنابراین انتقال انرژی به آن ضروری‌تر است. ایران با دارا بودن بیش از دو هزار مایل خط ساحلی در جنوب، دسترسی مناسب و مطمئن به بازارهای جهانی را به کشورهای شمالی محصور در خشکی می‌دهد. این ارتباط، کوتاه‌ترین، سریع‌ترین، امن‌ترین و اقتصادی‌ترین مسیر را از منطقه خزر - آسیای مرکزی به بازارهای شبه قاره هند، ژاپن و خاور دور که تقاضای آینده‌شان برای انرژی مدام در حال رشد است، فراهم می‌کند (آدمی و نظریان، ۱۳۹۴، ۲۲۴).

علاوه بر این مزیت‌ها، طرح معاوضه ایران علاوه بر بعد درآمدی، از راه‌های دیگر نیز می‌تواند برای منافع ملی ایران موثر باشد. یکی از این تاثیرات، صرفه‌جویی در انتقال نفت و گاز طبیعی از طریق لوله از جنوب کشور به شمال آن است. همچنین شکوفایی اقتصادی مناطق محل عبور خطوط لوله که امکانات زیادی برای آن مناطق فراهم می‌کند. تامین منافع سیاسی - امنیتی از طریق توسعه نفوذ در کشورهای صادرکننده نفت و گاز از مسیر ایران و تبدیل آنها به دوست. گسترش روابط اقتصادی و دستیابی به بازار مصرف آن کشورها برای فروش تولیدات داخلی. به علاوه ارتقاء جایگاه اقتصادی، امنیت، همگرایی و همکاری منطقه‌ای مناسب‌تر از پیامدهای عبور نفت و گاز از ایران است که می‌تواند به ارتقاء جایگاه ایران در معادلات سیاسی و اقتصادی نظام بین‌الملل کمک کند (کامران دستجردی و همکاران، ۱۳۹۱، ۴۳).

با این حال نکته حائز اهمیت این است که معاوضه نفت ایران در این منطقه تنها تا سال ۱۳۸۹ با جدیت ادامه یافت و تا سال ۱۳۹۶ نیز متوقف شد. بعد از این دوره نیز تنها محموله‌هایی از نفت ترکمنستان از طریق به خلیج فارس حمل شدند. در حالی که احیای معاوضه نفت به طوری که نفت قزاقستان و ترکمنستان از طریق نفت‌کش به سواحل ایران در بنادر شمال کشور و پس از عبور از خط لوله نکا - ری در پالایشگاه‌های تبریز و تهران پالایش شود و از سوی دیگر، از جنوب کشور معادل مقدار توافق شده نفت دریافتی در شمال، صادر شود. برای مثال در صورت انتقال نفت قزاقستان از طریق بندر آکتائو به بندر نکا در ایران، در حال حاضر امکان سوپ ۶۰ هزار بشکه در روز مهیا است.

با تکمیل و بهره‌برداری از پایانه‌های دریافت نفت شمال کشور، ظرفیت معاوضه نفت تا بیش از ۳۰۰ هزار بشکه در روز قابل افزایش است و کشورهای متقاضی از خلیج فارس در جنوب و روسیه، آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان از طریق ایران به راحتی متصل می‌شود. این طرح اگر به صورت بین‌دولتی انجام شود، با تحکیم دیپلماسی انرژی بین کشورهای همسایه شمال، درآمد اقتصادی زیادی برای کشور به همراه دارد. بدین منظور، یک گزینه پیشنهادی انتقال نفت این کشورها از طریق خط لوله (قزاقستان، ترکمنستان و ایران) است. ایران علاوه بر درآمد مستقیم انتقال انرژی، می‌تواند منافع غیرمستقیم نیز کسب کند که صرفه‌جویی در انتقال نفت خام از خط لوله جنوب به پالایشگاه‌های شمال، تامین منافع سیاسی - امنیتی با توسعه همکاری با کشورهای صادرکننده نفت و گاز از مسیر ایران و گسترش روابط اقتصادی و دستیابی به بازار مصرف آن کشورها برای فروش تولیدات داخل از آن جمله است (جعفری و ظفریان، ۱۴۰۱، ۱۵).

در این بین، سیاست‌های انرژی ایران در این منطقه با چالش‌هایی نیز همراه بوده است. از جمله تمرکز سیاست‌های انرژی ایران در طول دهه‌های گذشته در بخش جنوبی کشور متمرکز بوده و به ویژه بعد از توسعه میدان گازی پارس جنوبی تقویت نیز شده است. به علاوه عمده تلاش ایران در این منطقه در دو دهه گذشته صرف ابعاد حقوقی و نحوه تقسیم آن متمرکز بوده، حال آن که دیگر همسایگان با همکاری شرکت‌های بین‌المللی به حفاری و بهره‌برداری مشغول شدند. در عین حال از آنجا که بخش ایرانی دریای خزر عمیق و بیشتر دارای منابع گازی غنی است، بنابراین دسترسی به فناوری و منابع مالی بین‌المللی اجتناب‌ناپذیر است. با این حال، در شرایط فقدان سرمایه‌گذاری و دسترسی به فناوری لازم برداشت از ذخایر سهم ایران، مهم‌ترین کاری که می‌توان انجام داد ورود گسترده به برنامه‌های سوآپ نفت و گاز و تبدیل فرصت در امتیاز جغرافیای سرزمینی کشور برای تبدیل به یک کریدور امن انتقال انرژی است. گستردگی خطوط انتقال انرژی در ایران، با سرمایه‌گذاری محدود قابل اتصال به مبادی ورود و انتقال به سایر کشورهای همسایه است. این امر همچنین نیازمند رایزنی و دیپلماسی قدرتمند با بازیگران این پهنه است (برکشلی، ۱۴۰۱، ۲-۱).

سوی دیگر منافع ملی ایران در ژئوپلیتیک انتقال انرژی در خزر، رقابت راهبردی روسیه با آمریکا است. به طور کلی در صحنه انرژی این منطقه تمامی کشورها از جمله آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان، روسیه را به عنوان رقیب در بازار انرژی می‌نگرند، روسیه نیز از این قاعده مستثنی نیست. در عین حال، اهمیت آسیای مرکزی، قفقاز و حوزه خزر به همراه وجود منافع و رقیب مشترک در این مناطق، همکاری این کشورها با روسیه را اجتناب‌ناپذیر کرده است. رقابت راهبردی روسیه و آمریکا در این منطقه باعث شده است که ایران، روسیه را شریک راهبردی خود انتخاب کند. ایران با آمریکا در منطقه خزر با چالش‌هایی مانند ایجاد جو اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی، مخالفت با مواضع ایران در بحران قره باغ، حضور نظامی در خزر، جلوگیری از مشارکت ایران در پروژه‌های اقتصادی این منطقه، مخالفت با پیوستن کشورهای حوزه خزر به اکو، تلاش برای حداقل رساندن سهم ایران در دریای خزر و تحریم‌های اقتصادی مواجه است (چابکی، ۱۳۹۰، ۷۲-۵۷).

از منظر دورنمای صنعت انرژی، ایران رقیب طبیعی روسیه برای دسترسی به بازار گاز اروپا است و شاید در شرایط ژئوپلیتیکی متفاوت بتواند به عنوان مسیر ترانزیت رقیب برای صدور انرژی خزر عمل کند. مسکو با هدف ممانعت از شکل‌گیری مسیرهای جدید جایگزین انتقال انرژی از طریق ایران، با احداث هر خطوط لوله انرژی از طریق ایران و حتی معاوضه نفت کشورهای منطقه با صادرات از ایران مخالفت نموده است. روسیه همچنین در دو دهه اخیر

تامین‌کننده تجهیزات نظامی و فناوری هسته‌ای ایران بوده و در صدد است با این اقدام، سیاست‌های انرژی ایران را کنترل و مدیریت و از تجارت مستقیم ایران و تعداد زیادی از کشورهای صنعتی مصرف‌کننده انرژی، جلوگیری کند. به علاوه تنش ایران و آمریکا در موضوع هسته‌ای ایران، با ایجاد نوسان در بازارهای جهانی نفت و بالابردن قیمت نفت، عواید نفتی روسیه را افزایش داده است. بنابراین هدف روسیه در دورنمای صنعت انرژی این منطقه، کنترل سیاست‌های انتقال انرژی ایران در این منطقه است (نیاکویی و میرزازاده، ۱۳۹۲، ۱۲۹ و آدمی و نظریان، ۱۳۹۴، ۲۲۴).

## نتیجه‌گیری

منطقه خزر یکی از بزرگ‌ترین منابع انرژی را نیز در اختیار دارد. هر چند اختلافات ارضی و اکتشاف محدود در مناطق فراساحلی تعیین مقدار کل منابع هیدروکربنی این منطقه را با دشواری مواجه کرده است. این منطقه از منظر ژئوپلیتیک با محدودیت‌هایی مواجه است که از آن جمله محصور بودن آن در خشکی است. به گونه‌ای که جمهوری‌های استقلال یافته از اتحاد جماهیر شوروی برای انتقال نفت و گاز این منطقه به بازارهای جهانی به ناچار می‌بایستی از خطوط انتقال انرژی استفاده نمایند. با این که قبل از فروپاشی شوروی استخراج نفت تنها در انحصار این قدرت قرار داشت، با این حال بعد از دهه ۱۹۹۰ مسیرهای مختلفی برای انتقال انرژی از این منطقه ایجاد شد و کشورهای منطقه هر کدام خطوط لوله خود را برای عرضه منابع انرژی خود به بازارهای جهانی به کشور مقصد کشیدند. از جمله ایران بیشترین تلاش خود را برای طرح معاوضه نفت از کشورهای آسیای مرکزی از جمله ترکمنستان و قزاقستان از طریق خطوط لوله نکا - ری و از آنجا به خلیج فارس متمرکز نمود که تا یک دهه قبل به صورت کم و بیش ادامه داشته است. از سوی دیگر کشورهای آذربایجان، قزاقستان، ترکمنستان و روسیه نیز خطوط لوله نفتی کنسرسیوم خزر، باکو - نووروسیسک، باکو - تفلیس - جیحان، خط لوله صادراتی قزاقستان، خط لوله قزاقستان - چین و خطوط لوله گازی آسیای مرکزی - مرکز و خط لوله گاز قفقاز جنوبی را برای انتقال انرژی این منطقه راه‌اندازی کردند. این خطوط انتقال انرژی بیش از همه از زمینه‌های مناسبی برخوردار است و می‌تواند در مواردی منافع ملی کشور را تامین نماید. بهره‌گیری ایران از این خطوط انتقال انرژی که از مهم‌ترین راه‌های تامین نفت در بازارهای جهانی به ویژه در کریدورهای شمالی هستند، در حالت کلی خود زمینه افزایش سطح امنیت ملی ایران را به ویژه در ابعاد اقتصادی افزایش داده است. مهم‌ترین موضوع در این زمینه کاهش ریسک یا خطر ژئوپلیتیک در عرضه انرژی است. چه این که منطقه دریای خزر به دلیل همجواری با آسیای مرکزی و قفقاز به ویژه بحران قره‌باغ و یا گسترش گروه‌های افراطی در حوزه اخیر، مستعد تصاعد تنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است و از این منظر ظرفیت‌های ایران به ویژه در انتقال انرژی بسیار قابل توجه است. بعد دیگر موضوع برای منافع ملی ایران، گسترش بسترهای اقتصادی و درآمدی است. از این دیدگاه، هزینه انتقال انرژی از مسیر ایران به ویژه با روش معاوضه و تحویل آن در سواحل خلیج فارس و دریای عمان به عنوان مهم‌ترین منطقه انرژی جهان، ارزان تر از دیگر مسیرهاست. علاوه بر این، این امر زمینه توسعه مناطق عبور خطوط لوله در داخل ایران نیز فراهم می‌شود. در سوی دیگر، ایجاد امکان زمینه سرمایه‌گذاری در پروژه‌های معاوضه نفت ایران و تشریک مساعی این کشور در خطوط هفت گانه انتقال انرژی به نقاط مختلف در این پهنه، می‌تواند زمینه رقابت با کشورهای دیگر از جمله روسیه را با در نظر داشتن شرایط حاکم بر نظام بین‌الملل فراهم نماید. در یک نگاه کلی مزیت‌های نسبی و موقعیت ممتاز ژئوپلیتیک ایران، بستری مستعد برای تامین منافع ملی و به تبع آن ارتقا جایگاه منطقه‌ای و جهانی جمهوری اسلامی ایران را فراهم نموده است، چنانکه همسایگان منطقه‌ای و قدرت‌های فرامنطقه‌ای را ناچار به پذیرش نقش این بازیگر مقتدر کرده اند.

## سپاسگزاری

مقاله حاضر مستخرج از رساله دکتری رشته جغرافیای سیاسی بوده که در گروه جغرافیای دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی از آن دفاع شده است.

## منابع

- آجیلی، هادی و بهارخانی، محمدرضا، (۱۳۹۳)، «اقتصاد سیاسی خطوط لوله انرژی در آسیای مرکزی و قفقاز»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال سوم، شماره ۱۰، پاییز
- آدمی، علی و نظریان، ابودر، (۱۳۹۴)، «بررسی جایگاه انرژی دریای مازندران و خطوط لوله انتقال آن بر امنیت ملی ایران»، فصلنامه فرآیند نو، شماره ۵۲، زمستان.
- اعظمی، هادی و همکاران، (۱۳۹۴)، «بررسی نقش انرژی نفت و گاز در ایجاد بحران در روابط بین‌المللی نمونه موردی: ایران و جمهوری آذربایجان»، اولین کنگره سالیانه جهان و بحران انرژی، شیراز
- اطاعت، جواد، نصرتی، حمیدرضا، (۱۳۸۸)، ایران و خطوط انتقال انرژی حوزه خزر، مطالعات اوراسیای مرکزی، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال دوم، شماره ۳، زمستان و بهار
- امیری، سروش، (۱۳۹۸)، «جمهوری اسلامی ایران و جایگاه ژئوپلیتیکی-ژئواکونومیکی و انرژی حوزه خزر»، ماهنامه علمی اکتشاف و تولید نفت و گاز، شماره ۱۶۷.
- برکشلی، فریدون، (۱۴۰۱)، «فرصت ایران برای تبدیل شدن به کریدور امن انتقال انرژی/ غفلت از خزر در سایه عظمت پارس جنوبی»، بازیابی شده در ۱۸ مهر ۱۴۰۱، از: <https://www.kepco.ir/fa/news/1924/>
- جعفری، زهرا و ظفریان، حبیب‌الله، (۱۴۰۱)، «چشم‌انداز سیاست‌های انرژی در قزاقستان و ظرفیت‌های همکاری با ایران»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات انرژی، صنعت و معدن.
- جوفار، محمدرضا (۱۴۰۲) «بررسی جایگاه ژئوپلیتیک انرژی در سیاست خارجی کشورها»، یازدهمین کنفرانس بین‌المللی علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و تحول
- چابکی، ام‌البنین، (۱۳۹۰)، «تأثیر حضور آمریکا در حوزه خزر بر منافع جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۱، شماره سوم.
- حافظنیا، محمدرضا، (۱۳۹۶)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: نشر پاپلی
- حلال‌خور، مهرداد و سعیدی راد، آرش، (۱۴۰۰)، «روندهای کلان جهانی، تحول و گسترش ژئواکونومیک دریای خزر»، فصلنامه روابط خارجی، سال ۱۴، شماره ۵۳، بهار.
- رستمی فر، عبدالرحمن و همکاران (۱۴۰۱) «تحلیل اقتصادی امنیت انرژی (ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک نفت و گاز)»، فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه ای)، دوره ۱۲، شماره ۴۸، مهر
- صادقی، اکبر و همکاران (۱۳۹۷) «بایسته‌های دیپلماسی انرژی ایران در نظام اقتصاد سیاسی بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۱۱، شماره ۴۳، آذر
- عسگری، بصیر (۱۳۹۸) تأثیر ژئوپلیتیک انتقال انرژی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، جغرافیای سرزمین، دوره ۱۶، شماره ۶۴، بهمن
- فرجی راد، عبدالرضا، حقیقت پناه، مسعود (۱۳۹۲) «بررسی چالش‌ها و فرصت‌های فراروی ایران در حوزه خزر»، فصلنامه علمی پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال پنجم، شماره چهارم، پاییز
- قالیباف، محمدباقر و پوینده، محمدهادی، (۱۳۸۶)، «تحلیل اطلاق مفهوم بیضی استراتژیک انرژی بر حوزه دریای خزر و خلیج فارس»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال سوم، شماره دوم، تابستان.
- کامران دستجردی، حسن و همکاران، (۱۳۹۱)، «جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ایران در انتقال انرژی دریای خزر به بازارهای جهانی»، فصلنامه جغرافیا، دوره ۱۰، شماره ۳۲، بهار.
- کنشلو، محبوبه و همکاران، (۱۴۰۱)، «تحلیل و بررسی جایگاه ژئوپلیتیک ایران در طرح‌های انتقال منابع انرژی از حوزه دریای خزر در راستای تأثیر آن بر توسعه ژئواکونومیک آسیای میانه و قفقاز»، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دوره ۱۲، شماره دوم.
- محرابی، علیرضا و همکاران، (۱۳۹۲)، «بررسی جایگاه ژئوپلیتیک انرژی در تامین امنیت ملی ایران از منظر سه رویکرد امنیت ملی گسترش محور، حفظ محور و توسعه محور»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال نهم، سال اول، بهار.
- مسعودی‌پور، حسین و همکاران، (۱۳۹۸)، «ژئوپلیتیک انرژی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، دوفصلنامه دانش سیاسی، سال ۱۵، شماره دوم، پاییز و زمستان.

- ملکی، ماری و جعفری، علی اکبر، (۱۳۹۷)، «منابع انرژی و حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در دریای خزر»، *دوفصلنامه سیاست و روابط بین‌الملل*، دوره دوم، شماره سوم، بهار و تابستان.
- مولایی، یوسف و ملکی، روح‌الله، (۱۳۹۸)، «سیاست انرژی محور غرب در معضل رژیم حقوقی دریای خزر»، *فصلنامه روابط خارجی*، دوره ۱۱، شماره ۴۲.
- مهدیان، حسین، فخری، سیروس (۱۳۹۱) «ژئوپلیتیک انرژی ایران و امنیت انرژی غرب»، *پژوهش‌های جغرافیای انسانی (پژوهش‌های جغرافیایی)*، دوره ۴۴، شماره ۴
- نوازنی، بهرام و شجاعی، حافظ، (۱۳۹۳)، «خطوط انتقال انرژی دریای خزر و تاثیر آن بر ژئوپلیتیک»، *همایش بین‌المللی تحولات جدید ایران و جهان*، دوره ششم.
- نیاکویی، امیر و میرزازاده، فرامرز، (۱۳۹۲)، «رقابت قدرت‌ها، ژئوپلیتیک خزر و منافع ملی ایران»، *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، دوره نخست، شماره نهم، زمستان.
- ولی‌زاده، اکبر و صادقی، مهدی، (۱۴۰۰)، «کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر و جایگاه ایران در ژئوپلیتیک انرژی قفقاز جنوبی»، *دوفصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی*، دوره ۱۴، شماره اول، تابستان.
- یاری، احسان، (۱۳۹۴)، «ژئوپلیتیک انرژی و بازسازی قدرت روسیه»، *فصلنامه جغرافیا*، دوره ۱۳، شماره ۴۴، بهار.
- Benda, Lukas, (2021), Caspian Sea, a unified energy region or multiple solitary players?, available at: <https://www.securityoutlines.cz/caspian-sea-a-unified-energy-region-or-multiple-solitary-players/>.
- British Petroleum, (2023), Baku-Tbilisi-Ceyhan pipeline, available at: [https://www.bp.com/en\\_az/azerbaijan/home/who-we-are/operations/projects/pipelines/btc.html](https://www.bp.com/en_az/azerbaijan/home/who-we-are/operations/projects/pipelines/btc.html).
- Caiyu, Liu and Xiaojing, Xing, (2023), Protector of China-Kazakhstan crude oil pipeline, available at: <https://www.globaltimes.cn/page/202302/1285533.shtml>
- Cutler, Robert M, (2016), Kazakhstan and Azerbaijan plan an undersea trans-Caspian oil pipeline, available at: <https://www.cacianalyst.org/publications/analytical-articles/item/13407-kazakhstan-and-azerbaijan-plan-an-undersea-trans-caspian-oil-pipeline.html>
- EIA, (2021), Overview of oil and natural gas in the Caspian Sea region, available at: [https://www.eia.gov/international/analysis/regions-of-interest/Caspian\\_Sea](https://www.eia.gov/international/analysis/regions-of-interest/Caspian_Sea).
- EIA, (2020), Kazakhstan energy profile energy security, available at: <https://www.iea.org/reports/kazakhstan-energy-profile/energy-security>.
- EIA, (2021), Azerbaijan executive summary, available at: <https://www.eia.gov/international/analysis/country/AZE>.
- EIA, (2022), Iran executive summary, available at: <https://www.eia.gov/international/analysis/country/IRN>
- International Trade Administration, (2022), Turkmenistan – Country Commercial Guide Oil and Gas, available at: <https://www.trade.gov/country-commercial-guides/turkmenistan-oil-gas>.
- Koutsouradi, Markella, Karkazis, John, Siousiouras, Petros, Chondrogianni, Dionysia (2018) The Complexity of the Caspian Basin, *European Scientific Journal*, Vol.14, No.26 ISSN: 1857 – 7881, September
- Madani, Kaveh, (2016), the future of Iran's oil and its economic implications, Stanford Iran 2040 project.
- Mirzamakhmudov, Zhurabek, (2023), Central Asia-Center pipeline being considered for gas supplies from Russia to Uzbekistan, available at: <http://tashkenttimes.uz/national/10970-central-asia-center-pipeline-being-considered-for-gas-supplies-from-russia-to-uzbekistan>
- Olcott, Martaha Brill, (2013), The Geopolitics of Natural Gas: Turkmenistan: Real Energy giant or Eternal Potential? Carnegie Endowment of International Peace, December.
- Southern Gas Corridor, (2020), South Caucasus Pipeline, available at: <https://www.sgc.az/en/project/scp>
- Trading Economics, (2023), Iran Crude Oil production, available at: <https://tradingeconomics.com/iran/crude-oil-production>.
- <https://www.researchgate.net>